انترناسیونال ٧٢٤

شیوا محبوبی

**من ، "قصاب كردستان"و دخترش فاطمه صادقی خلخالی**

فاطمه صادقی، دختر صادق خلخالي كه مشهور بود به ' قصاب كردستان ' گويا براي اولين بار در مورد پدرش صحبت ميكند. صحبتهاي فاطمه صادقي براي من به عنوان كسي كه در زمان خلخالي و اعدامهاي كردستان يك بچه بودم يادآور دردناكترين خاطرات بچگيم است. پدر ايشان خشونت را وارد دنياي كودكانه من و هزاران كودك ديگر كرد و صدها كودك را از داشتن پدر محروم كرد. من پدر ايشان را كه يك جلاد بود نه ميبخشم و نه جناياتش را فراموش ميكنم.

به نظر ميايد من و خيلي از بچه هاي دوران من خاطرات متفاوتي نسبت به پدر جنايتكار ايشان داريم. فاطمه صادقي در بخشي از صحبتهايش ميگويد " ... من خیلی از وقایعی را که در جریان انقلاب اتفاق افتاده چون بچه بودم از نزدیک تجربه نکردم. من بچه بودم و حالا باید بروم و ببینم در کردستان چه اتفاقی افتاده یا ماجرای هویدا و اعدام‌ها چه بوده. وقتی نمی‌دانم، اصلاً صلاحیت ابراز نظر درباره آن قضایا را ندارم. وقتی که من سکوت می‌کنم یا می‌گویم نمی‌دانم، آدم‌ها فکر می‌کنند که می‌خواهم لج‌بازی کنم. اما واقعیت این است که من خیلی علاقه‌ای نداشتم که درباره وقایع کردستان بخوانم با اینکه می‌دانم آن مقطع هم خیلی مهم است. ممکن است یک روز این کار را بکنم و ببینم اتفاقات کردستان چه بوده و نقش پدر من چه بوده." . ايشان ميگويد بچه بود و از نزديك وقايع كردستان را تجربه نكرده و علاقه اي نداشته در موردش بخواند و حالا هم ميگويد شايد يك زماني در موردش بخواند. اما براي من به عنوان يك بچه يازده ساله شنيدن و لمس و تجربه وقايع كردستان علاقه و انتخاب نبود، واقعيت و جزئي جدايي ناپذير از زندگي روزمره ام بود. هر لحظه نگران بودم كه كدام عضو خانواده ام و يا خواهر و برادر و يا پدر و مادر كدام يك از دوستانم قرار است به حكم خلخالي تبعيد و يا اعدام بشوند. من انتخابي نداشتم وقتي اشكها و زجه هاي مادر نسرين و شهلا كعبي را در مراسم بعد از اعدامشان ديدم. در آن زمان مغز جوانم نميتوانست هضم كند كه چرا شهلا و نسرين كه دو انسان مهربان و نازنين و دو پرستاري بودند كه در بدترين شرايط وظيفه پرستاري خودشون را انجام دادند بايد اعدام شوند. من انتخابي نداشتم وقتي هر بار با شنيدن اسم پدر جلاد اين خانم نفس در سينه ام حبس ميشد ، چرا كه هر بار شنيدن اسمش به اين معني بود كه آدمهايي را كه دوست داشتم تبعيد و يا اعدام ميشدند. پدر جنايتكار ايشان بسياري از لحظات شاد كودكانه را از من و هزاران كودك ديگر گرفت و خون و اعدام و خشونت و ترس را جايگزين آن كرد.

فاطمه صادقي ميگويد : " من دغدغه‌های خودم را دارم. الزامی ندارم چیزی که برای پدر من جالب بوده برای من هم جالب باشد ... " . درست است، ايشان نبايد با پدرش و جناياتي كه كرده تداعي بشود. پدر و مادر انتخابي نيستند و يك بچه كنترلي روي شخصيت و عملكرد پدر و مادرش ندارد. اما اين خانم كه حالا ديگه بچه نيست و حق انتخاب دارد ، ميتواند از پدرش دفاع نكند و خودش را به بيراهه نزند كه اطلاع ندارد پدرش چه جناياتي مرتكب شده و بايد برود در موردش بخواند. جنايات خلخالي در همه جا ثبت شده است. آيا فاطمه صادقي كه اسم خودش را ' پژوهشگر علوم سياسي ' گذاشته است عكس مشهور اعدام به دستور خلخالي در سنندج را كه در آن برادران ناهيد در حاليكه يكي از آنها زخمي بودند و اعدام شدند را نديده است؟ ايشان لازم نيست برود كردستان تحقيق كند كه پدرش چه جناياتي مرتكب شده، تمام اين اسناد روي اينترنت وجود دارد .

ميگويند انسان حس همدردي با همنوعش را دارد ولي به نظر ميايد اين حس همدردي در فاطمه صادقي وجود ندارد. مسئله اينست كه فاطمه صادقي ميخواهد جنايات پدرش را توجيه كند. از نظر من كسي كه جنايتي را توجيه و يا سرپوش ميگذارد در ارتكاب آن جنايت سهيم است.